



که آنها نیازمند حاکمیت نیستند زیرا که در این مسیر سال‌هاست این سیاست را آزمایش کرده‌اند و نتیجه‌ی مطلوبی ندیده‌اند. سال‌هاست که صحبت از کاهش وظایف حاکمیتی و افزایش نقش نظارتی دولت در امور مختلف می‌شود اما هیچ کاری مبنی بر این حرف‌ها صورت نپذیرفته است، اما سخن در این است که مشکلات این صنعت را فعالانش بهتر درک می‌کنند و در پی حل آن بر می‌آیند و تنها نظارت دولت بر آن کفایت دارد.

مصطفوی می‌گوید: کافی است مسوولان یکبار هم که شده به بخش خصوصی و دغدغه‌هایش جدی نگاه کنند. زیرا امروزه این صنعت به مویی بسته است که هر از چند گاهی نیز این اتصال کم قوت، دچار نوسان و لرزش می‌شود.

اکنون صنعت مرغداری، تشکلهای و اتحادیه‌های وابسته به آن اختیار می‌خواهند تا برای اداره خود و برای بازسازی آنچه که تا الان از دست داده‌اند، تلاش کنند تا بتوانند اهداف مورد نظر خود را در دسترس ببینند و خودشان متولی کار خودشان باشند و فقط از دولت در حد یک نیرویی که می‌تواند ناظر کار باشد توقع دارند.

صحبت فرد فرد مرغداران این است که کارها را به تشکلهایشان بسپارند و تشکلهای را حمایت کنند تا آنها بتوانند وظایف خود را انجام دهند. حمایت و توسعه تشکلهای می‌تواند از نوسان‌ها و استرس‌های موجود کم کند و کار همیشه در یک روند صعودی قرار گیرد. به امید آن روز...!!

در سال ۷۷ شکل دیگری از آزادسازی انجام شد که تا به الان نیز ادامه دارد. بحث تامین نیازها و مواد اولیه، کنترل بیماری‌ها، تنظیم بازار، ذخیره‌سازی، صادرات و واردات موضوعاتی است که دایم تولید و عرضه تولیدات به بازار را تحت تاثیر خود دارد.

در این میان نیز بخش‌های دولتی، بازار را با قیمت‌گذاری و یا آزادسازی دچار نوسان می‌کردند و هر جور که دلشان می‌خواست تولیدکننده را به بازی می‌گرفتند و تشکلهای نمی‌توانستند در تغییر اوضاع نقشی را ایفا کنند زیرا همه ابزارها و امکانات در اختیار دولت بود و دست اندرکاران این صنعت زمانی که می‌دیدند مشکلاتشان در اداره یک روستا حل و فصل می‌شود، همه‌ی کارهای کوچک را خودشان انجام می‌دادند و با این کار نشان می‌دادند که تشکلهای و انجمن‌ها نیز نمی‌توانند نقش سازمانی داشته باشند.

اما چاره چیست؟ جایگاه تعامل با ریش سفیدان این صنعت کجاست؟ منبع مسیر خصوصی سازی از کجا آغاز می‌شود و دولت در این راه چه اقداماتی کرده است؟ موج دوم گرانی مربوط به تخم مرغ و مرغ بود، دولت اصلا برای اداره صنعت مرغداری چه طرح‌هایی دارد؟ نقش تشکلهای و اتحادیه‌ها در این صنعت کجاست؟ مصطفوی معتقد است



کاهش دغدغه‌های مرغداران در گرو حمایت از بخش خصوصی است

صنعت مرغداری روبه‌نابودی است و اگر این صنعت نابود شود دیگر به راحتی نمی‌توان دوباره آن را زنده کرد. آقایان زمانی متوجه داستان خواهند شد که دیگر مرغدارها فریادی نخواهند زد و فقط و فقط خواهند گفت دیگر مرغ و تخم مرغ نداریم...!

مهندس مصطفوی، دبیر انجمن جوجه یکروزه و نماینده بخش خصوصی است و گویا عزم دولت هم برای خصوصی سازی جدی است، پس جای تعجب دارد که مصطفوی می‌گوید که همه چیز در اختیار دولت است و اوست که تعیین می‌کند چه شود و چه نشود. دولت با در اختیار گرفتن عمده اختیارات اعم از دستمزد، در اختیار داشتن نهاده‌ها، قوانین گمرکی و تکلیف کردن میزان تولید، امکان هرگونه مانور را برای کاهش قیمت تمام شده بسته است. به نظر مصطفوی سوء تدبیر و سوء استفاده از صنعت مرغداری، این بخش را به ورطه نابودی کشانده است.

اگر بعد از انقلاب را مبنای کار قرار دهیم، تا سال ۵۹ هر مرغدار کار خود را انجام می‌داد و حتی مواد اولیه در مخازن کشور به وفور یافت می‌شد.

بعد از جنگ بود که این مخازن به تدریج تحلیل رفت و خالی شد. در این بین دولت بود که کنترل اوضاع را به دست گرفت و با دقت کامل، مرکز تهیه و توزیع جوجه را به وجود آورد و کمیته اجرایی مرغ و تخم مرغ تاسیس شد. این روند تا سال ۷۰ ادامه داشت تا اینکه بعد از سال ۷۰ بخشی از قسمت‌ها تقریباً به شکل آزاد کار خود را شروع کرده و با صدور پروانه‌های جدید به ساخت و ساز مرغداری‌ها ادامه دادند.